

بررسی شناخت ظرفیت‌ها و وجه اشتراک ملی ایران با کشورهای جهان اسلام به سود جبهه مقاومت (مطالعه موردی؛ عراق، یمن، فلسطین)

حدیث باقری نیا^۱

محمدباقر مکرمی پور^۲

دکتر محمد سجاد شیرودی^۳

زهرة محمدی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۸

مقاله علمی-پژوهشی

شماره صفحات: ۵۳ الی ۶۶



DOI: 10.22034/wasj.2024.427322.1025

چکیده:

ژنقش ظرفیت‌های اجتماعی، سیاسی، امنیتی در شکل‌گیری و استحکام و قدرت یافتن گفتمان مقاومت و مجموعه امنیتی محور مقاومت از نقش برجسته‌ای برخوردار می‌باشد که تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران و ارزش و هنجارهای ناشی از آن است. بسیاری از شاخص‌های فرهنگ سیاسی حاکم بر انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران ماهیت هویت‌گرا، عدالت‌جویانه و شالوده‌شکن داشته است. این امر نقش موثری در شکل‌گیری جنبش‌های مقاومت اسلامی از جمله جنبش‌های اسلامی در لبنان و فلسطین ایفا کرده است و همین ساختار شکنی بین‌المللی، اقتدار و امنیت بین‌المللی مورد نظر غرب و کشورهای محافظه کار عربی را در مجموعه امنیتی غرب آسیا با تهدید روبرو ساخته است. در این راستا هدف پژوهش پیش‌رو شناخت وجه اشتراک ایران با کشورهای محور مقاومت (مطالعه موردی عراق، یمن، فلسطین) است. از این‌رو پرسش‌های مقاله حاضر بدین شرح است: «مهمترین وجه اشتراک ملی ایران، با کشور عراق، یمن، فلسطین چیست؟ یا ظرفیت‌های اجتماعی این کشورها چه اثری بر جبهه مقاومت دارد؟». این پژوهش با روش تحلیلی-تطبیقی انجام شده و شیوه گردآوری داده‌ها مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد وجه اشتراک ظرفیت‌ها و مولفه‌های ملی ایران با کشور عراق، یمن و فلسطین، وجود مولفه‌هایی همچون؛ مسلمان بودن اکثریت قریب به اتفاق جمعیت کشور، باورهای مذهبی، سیاست‌های غرب‌ستیزی، فرهنگ و زبان مشترک ایشار و شهادت، تهدیدات امنیتی مشترک، امنیت و نفوذ ایدئولوژیکی ایران در منطقه جایگاه راهبردی یمن در معادلات امنیتی جمهوری اسلامی ایران است.

کلید واژه‌ها: ظرفیت‌ها، وجه اشتراک ملی، ایران، جهان اسلام، جبهه مقاومت.

۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد تهران. (نویسنده مسئول).

ایمیل: hadisbagherinia@alumani.um.ac.ir

۲ مدرس و مدعو دانشگاه و دانشجوی دکتری علوم سیاسی/مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

ایمیل: bagher.mokarami@ut.ac.ir

۳ استادیار دانشگاه افسری و تربیت پلیس امام حسن مجتبی(ع)، تهران، ایران.

۴ دانشجوی دکتری آینده پژوهی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

مقدمه

جهان اسلام به صورت یک قطب فرهنگی-تمدنی در نظام آینده دارای جایگاه است که از حساسیت بالایی در این نوشتار برخوردار است. از منظر این رویکرد، فرهنگ، تاریخ، داشته‌های تمدنی و اشتراکات دینی، با وجود تفرق و اختلاف دولت‌های عضو؛ در سطح مجموعه جهان اسلام به عنوان یک امت، مشترک است. از جمله ویژگی دیگر این قطب فرهنگی-تمدنی اشتراک کلی چارچوب این مجموعه در تقابل با جهان بینی و هنجارهای حاکم بر نظام‌های پیشین بین‌المللی است که بر بنیادهای ماده‌گرایی مغرب زمین بنا شده‌اند (جهان‌بین و پرتو، ۱۳۹۴: ۱۵۷). بنابراین شناخت ظرفیت‌های اجتماعی مشابه کشورهای جهان اسلام در جهت محکم کردن نوار امنیتی محور مقاومت تاثیر بسیار مثبتی خواهد داشت. از این رو در پژوهش حاضر هدف ما بر این است که ظرفیت‌ها و اشتراکات ملی کشورهای جهان اسلام از جمله؛ عراق، یمن و فلسطین و همسویی آن‌ها با کشور ایران را مورد بررسی قرار دهیم و نقش این ظرفیت‌ها را در محکم کردن نوار امنیتی محور مقاومت تبیین نماییم. بدین منوط نوشتار حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که «مهمترین ظرفیت‌ها و وجه اشتراک ملی ایران، با کشور عراق، یمن، فلسطین چیست؟ و چه تاثیری بر جبهه مقاومت دارد؟». این پژوهش با روش تحلیلی-تطبیقی و شیوه گردآوری داده‌ها مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای است.

۱- مبانی نظری ۱-۱- امت‌گرایی

مفهوم «امت» در ادبیات سیاسی مسلمانان به‌عنوان واژه‌ای کلیدی و راهبردی است که از «وفاداری دینی» حکایت دارد. این مفهوم که ریشه‌ای تاریخی و خاستگاهی بومی در میان مسلمانان دارد، به رغم تفاوت‌های فرقه‌ای، مذهبی، نژادی، قومی و قبیله‌ای ایشان، در گستره جغرافیای مسلمانان، نیرویی جدی در صحنه سیاسی است به-گونه‌ای که با عنایت به آموزه‌های دینی اسلام، سایر نیروهای نامبرده شده در پرتو آن رنگ می‌بازند. به عنوان مثال، همبستگی عشیره‌ای که ابن‌خلدون از آن تحت عنوان «عصبیت» به بحث می‌پردازد، یکی از این موارد است. به هر حال، با توجه به بلوک‌بندی سیاسی دنیای قدیم، دارالاسلام و دارالکفر از مفاهیم اساسی بودند و سایر عوامل انسجام بخش امروزیین مانند زبان، گذشته تاریخی، نژاد و غیره به حوزه «خودآگاه» مردم و حکومت‌ها وارد نشده بود (خانی، ۱۳۹۳: ۱۲) و به بیان دیگر، نظم وستفالیایی و گفتمان هویت‌بخش آن در نظام بین‌الملل و به تبع، کشورهای اسلامی، محملی برای بروز و ظهور نیافته بلکه روحیه «ملت‌خواهی» بین کشورهای اسلامی، در چارچوب مبارزه با استعمار و سلطه خارجی، به خصوص پس از جنگ دوم جهانی به وجود آمد بنابراین، امت برخلاف ملت، لزوماً بر عناصری چون زبان و قوم و سرگذشت مشترک تاریخی تأکید ندارد زیرا پدیده‌ای فراملی، فراقومی و فرادولتی است. امت گروه وسیعی از مردم را شامل می‌شود که تحت رهبری و هدایت مشترک قرار دارند و به سوی هدف و قیله‌ای واحد در حرکت‌اند. به بیان بهتر، عنصر اصلی آن، اشتراک در اعتقادات و مبادی بر آداب خاصی است (خانی، ۱۳۹۳: ۱۲). بنابراین می‌توان چنین برداشت کرد که امت گروهی بزرگ از مردم که دارای زبان یکسان با دین واحد و یا سرزمین جغرافیایی یکسان هستند گروهی که بین افرادش روابط و امت یعنی وجود جمعی مردم به معنی این یا آن فرد پیوندهایی بر اساس مجموعه ای از افکار و آرمانها و مبانی وجود دارد و این پیوندهای مشترک آنها را در برخی از نیروها و استعدادها به هم مربوط می‌سازد این جامعه‌ای است که قرآن تعبیر به امت کرده است (زارعی، ۱۳۹۰: ۱۵۵). بدین ترتیب طبق تعاریف فوق امت‌گرایی یک نگاه ایدئولوژیک است به این دلیل که تعریف امت از نظر متفکرین اسلامی به

معنای ساخت جامعه بر اساس الگوی ایدئولوژی اسلامی است.

۱-۲- جبهه مقاومت

جبهه مقاومت یک ائتلاف ژئوپلیتیک منطقه مرکب از مجموعه بازیگران دولتی (ایران، عراق، فلسطین، سوریه و یمن) و غیردولتی (حزب الله، انصارالله، حماس، حشدشعبی، جهاد اسلامی) است که منافع مشترک ملی و ایدئولوژیک دارند و تلاش می‌کنند با سیاست مستقلانه و مقاومت محور خود، نظام سلطه با محوریت ایالات متحده آمریکا را نقد کنند (رضاخواه، ۱۳۹۲:۳۲). در واقع آنچه جبهه خوانده می‌شود انعکاس هویت برآمده از انقلاب اسلامی ایران در جهان خارج است. زبان سیاسی مقاومت اسلامی را می‌توان انعکاس ظهور ادبیات اسلامی در روابط و سیاست بین‌الملل دانست (پوستینچی و متقی، ۱۳۹۰:۵۳). دولت‌های ملی به منظور اقدام به عمل مشترک، دست به ائتلاف می‌زنند. عده‌ای بر این نظرند که تحت شرایط ایده آل، افراد یا گروه‌ها سعی خواهند کرد که ائتلاف‌های گسترده‌ای تشکیل دهند که هدف‌های دلخواه را با موفقیت کسب نموده، به آنها اجازه دهد که ثمرات پیروزی را با حداقل تعداد افراد شریک شود. (پالمر، اشترن و کایل، ۱۳۹۱:۱۲۱). یک ائتلاف معمولی، حداقل مجموعه‌ای از افرادی مصمم را در خود جای می‌دهد. این افراد با پذیرش خطرات استراتژی‌ها، دیگران را تشویق می‌کنند تا بر پیمان‌ها پایبند باشند و برای افزایش سود ائتلاف استراتژی‌های خود را با یکدیگر همبسته سازند. ممکن است این افراد با اراده از نظر ساینرین به عنوان رهبران ائتلاف شهرت یابند، اما این احتمال نیز زیاد است که آنها به عنوان افرادی مداخله‌گر مشهور شوند. ممکن است این افراد یک ائتلاف بزرگ را شکل دهند و برخی از استراتژی‌های خطرناک خود را در قالب رژیم‌هایی، همچون حقوق معنوی و الزام به پایبندی قراردادهای نهادینه سازند. جوامع متشکل از افرادی با باورهای مشترک مذهبی نمونه‌ای از این شرایط است (اجرای، ۱۳۹۱:۲۹۷).

۱-۳- جهان اسلام

جهان اسلام، منطقه‌ای است که مشتمل بر مجموعه فضای پیوسته از کشور مغرب در آفریقای شمالی تا شبه‌قاره هند و آسیای مرکزی و از قزاقستان تا مشرق آفریقا و چند قسمت ناپیوسته در جنوب و جنوب‌شرقی آسیا و اروپا و حوزه‌های کوچک مسلمان‌نشین جهان برخی نیز، جنبه جمعیتی جهان اسلام را بر سایر شاخص‌ها ترجیح داده و در تعریف آن گفته‌اند مجموعه کشورهای که در مناطق مختلف جهان اکثریت جمعیت‌شان مسلمان باشد، جهان اسلام را شکل می‌دهند. بر مبنای این تعریف، «کشورهایی که جمعیت آن پنجاه درصد به بالا است، در قلمرو جهان اسلام قرار می‌گیرند، بنابراین کشورهایی که در آن مسلمانان در اقلیت هستند، در قلمرو امت اسلامی قرار نمی‌گیرند» (ستوده، ۱۳۹۲: ۶۸). تعریف دیگری از جهان اسلام وجود دارد که آن را به مفهوم «امت اسلام» نزدیک می‌کند. اگر امت را در شایع‌ترین کاربرد آن، «به معنای تمامی امت؛ یعنی همه کسانی که به رسول اسلام (ص) ایمان آوردند، و یا همه کسانی که رسول اسلام (ص) بسوی آنان مبعوث شده است». لحاظ کنیم در این صورت همه مسلمانی که در سرتاسر جهان زیست می‌کنند، عضویت جهان اسلام را خواهند داشت و در این مورد تفاوتی نمی‌کند که در قلمرو سرزمین‌های اسلامی باشند یا در قلمرو سرزمین‌هایی قرار داشته باشند که اکثریت مطلق آنها را غیر مسلمانان تشکیل می‌دهند؛ زیرا در این فرض آنچه شاخص جهان اسلام را تشکیل می‌دهد، مرزهای عقیده، ایمان و باورهای اسلامی است نه جمعیت و یا قلمرو سرزمینی (یعقوبی، ۱۳۹۷: ۱۵۷).

۲- وجه اشتراک ملی ایران و عراق ۲-۱- سنت‌های تاریخی مشترک

سنت‌ها و عادت‌های تاریخی ایرانیان مظهری از قدرت نرم ایران به شمار می‌رود. تقویت عناصر تمدن ایرانی همچون اسطوره‌ها و آیین‌های کهن در مناطقی که در حوزه‌ی تمدنی ایران قرار دارند، می‌تواند موجب همبستگی بیشتر میان مردمان این مناطق شود. از جمله مهم‌ترین آیین‌های ایرانی که برای برنامه‌ریزی در جهت تقویت وجهه‌ی ایرانی و قدرت نرم ایران در جهان مناسب است، «نوروز» است (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۵۴). مراسم نوروز به عنوان عید باستانی و ملی ایرانیان از غرب چین تا شرق بالکان برپا می‌شود. فراگیری مراسم و مناسبت‌های ایرانی مانند «نوروز» نشان از نفوذ فوق‌العاده فرهنگ ایرانی در میان جوامع دیگر دارد (پوراحمدی، ۱۳۸۹: ۱۶۳). مراسم نوروز و حواشی آن فرصتی است که ایران و فرهنگ ایرانی به مردم جهان معرفی می‌شود (خسروی و جباری ثانی، ۱۳۹۰: ۱۰۷). در حالی که رئیس‌جمهور تاجیکستان سال ۲۰۰۶ را سال «تمدن آریایی» نامیده بود، دیپلماسی نوروزی تهران در فروردین ۱۳۸۹ با حضور سران کشورهای افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان، عراق و غیره در جشن جهانی نوروز و دیدار آن‌ها با بالاترین مقامات جمهوری اسلامی از جمله رهبر انقلاب، توجه صاحب‌نظران و تحلیلگران را به خود جلب کرد. جمهوری اسلامی ایران برای پایه‌ریزی روند همگرایی میان کشورهای حوزه‌ی تمدنی ایران، پیشنهاد تشکیل دبیرخانه‌ی دائمی نوروز در ایران را مطرح کرده است (درخشه و غفاری، ۱۳۹۰: ۳۶) و دومین جشن جهانی نوروز نیز در هفتم و هشتم نوروز ۱۳۹۰ با حضور رؤسای جمهور ایران، تاجیکستان، عراق، افغانستان و ترکمنستان و دیگر مقامات بلند پایه سایر کشورها در محل حافظه تهران برگزار شد. نوروز از اعیاد ملی عراق محسوب می‌شود و کردها، اعراب و اقلیت‌های قومی دیگر عراق، عید نوروز را جشن می‌گیرند (فراهانی، ۱۳۸۵: ۱۶۶-۱۶۵). باید اذعان داشت که برگزاری عید نوروز در عراق و داشتن نشانه‌های مشترک با ایران در کنار جهانی شدن عید نوروز، بر قدرت نرم ایران تأثیر زیادی خواهد گذاشت؛ زیرا مقامات سیاسی دو کشور ایران و عراق برای تشکیل و برگزاری نوروز با یکدیگر حول یک محور مشترک جمع می‌آیند و همین امر زمینه‌های اتحاد و وحدت فرهنگی، اجتماعی و گاه سیاسی را افزایش می‌دهد و زمینه‌های لازم برای چانه‌زنی‌های دیپلماتیک در حواشی این مراسم را فراهم می‌آورد و مسئولین و سران دو کشور در یک شرایط عاری از تنش و منازعه می‌توانند به گفت و گو بپردازند و همگرایی فرهنگی در سطح منطقه را ارتقاء بخشند.

۲-۲- رواج فرهنگ بومی ایران از طریق هنر

هنر یکی از مهم‌ترین و کارآمدترین حوزه‌های نمایش اقتدار نرم کشور در صحنه جهانی است و در این میان، موسیقی نیز یکی از مظاهر عمده و محوری در بحث قدرت نرم کشورها است (مشایخی و خوشه چرخ، ۱۳۹۱: ۲۰۹). شعر و موسیقی احساسات و پیام‌ها را منتقل می‌کند و می‌توانند ناخودآگاه مردمان کشوری را با آرمان‌های کشور دیگر همسو نماید. در شمال عراق، موسیقی سنتی ایران طرفداران زیادی در بین مردم کسب نموده است و تاکنون کنسرت‌های متعددی در این ناحیه برگزار گردید. از جمله می‌توان به کنسرت استاد شجریان، ایرج، و در سال‌های پیش به کنسرت‌های شهرام ناظری اشاره داشت. البته کنسرت‌های سنتی در این حوزه بیشتر مربوط به حوزه سلیمانیه بوده است، علاوه بر این، گروه موسیقی کامکارها نیز چندین کنسرت در کردستان عراق برگزار کرده‌اند که آخرین مورد آن نوروز سال ۱۳۹۲ بود. موسیقی و کنسرت‌های موسیقی سنتی که در این کشور برگزار می‌شوند، می‌توانند معرف سنت و فرهنگ ایرانیان باشند، حتی متن

ترانه، نوع لباس اعضای برگزار کننده و نحوه برخورد آن‌ها می‌تواند پیام‌هایی را منتقل نماید. استفاده برنامه‌ریزی شده از این مؤلفه نقش بسیار مؤثری در بالابردن جایگاه ایران در اندیشه‌ی مردمان این کشور و در نتیجه افزایش قدرت نرم ایران دارد و می‌تواند زمینه‌های قرابت و نزدیکی بیشتر دو ملت را فراهم نمایند و پیام ایران را به مردم عراق برسانند.

۳-۲- حضور شیعیان در دو کشور

مذهب شیعه، به ویژه در مناطق پیرامونی ایران از عوامل اصلی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود (داداندیش و احدی، ۱۳۹۰: ۱۵۵). از نظر جغرافیایی بیشتر شیعیان در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس زندگی می‌کنند. در این منطقه کشوری که هم از نظر کل جمعیت و هم از نظر درصد، بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است، ایران است (احمدی، ۱۳۸۶: ۸). بیش از ۹۹ درصد جمعیت کشور ایران را مسلمانان تشکیل می‌دهند (پیشگاهی فرد و دیگران، ۱۳۹۰: ۲۰۲). همچنین، ایران با اکثریت مطلق نود درصد شیعه، بیش از چهل درصد کل جمعیت شیعه جهان است. بنابراین، یکی از دلایلی که منجر به تأثیرگذاری بیشتر قدرت نرم ایران در عراق می‌شود، وجود اکثریت شیعه در دو کشور است (جعفریان، ۱۳۸۶: ۱). شیعیان عراق، هم از نظر تعداد و هم از نظر تأثیر فکری و ایدئولوژیک، مهم‌ترین گروه شیعه در جهان عرب به شمار می‌رود. حدود شصت درصد جمعیت عراق را شیعیان تشکیل می‌دهند (فولر و فرانکه، ۱۳۸۴: ۱۸۳). شیعیان در مناطق جنوبی عراق و عمدتاً در بصره، نجف و کربلا مستقر هستند و در بغداد هم حضور دارند. بنابراین شیعیان هم از نظر ژئوپلیتیک و هم از نظر ثروت و حضور مکانی یعنی در جنوب و در دهانه خلیج فارس و در بغداد در مرکز عراق دارای موقعیت فوق‌العاده مهمی هستند. شکلی از به هم پیوستگی جغرافیایی شیعیان عراق با شیعیان منطقه موجود است. از یک طرف جمهوری اسلامی ایران به عنوان عمق ژئوپلیتیک شیعیان عراق محسوب می‌شود، و از طرفی جلوه‌هایی از اتصال ژئوپلیتیک آن‌ها را از جنوب خلیج فارس به شرق عربستان و لبنان و سوریه می‌توان تصور نمود؛ امری که جایگاه استراتژیک شیعیان عراق را تقویت می‌کند (فلاح، ۱۳۹۱: ۱۹۹). به طور خلاصه، قوی‌ترین اهرم ایران برای نقش آفرینی و تأثیرگذاری در امور عراق، آئین تشیع است. ایران با آگاهی از این موضوع که نزدیک به شصت درصد مردم عراق شیعه هستند، مایل به استفاده از این برگ برنده به واسطه روابط سنتی ایجاد شده با شیعیان عراق است (ملکی و رازقندی، ۱۳۹۰: ۱۲۶). تحولات ناشی از سقوط رژیم صدام حسین و خروج شیعیان از تنگنای ژئوپلیتیک به صورت بارزی نقش ژئوپلیتیک شیعیان در عراق را ارتقا بخشیده است. هرچند از جهت کمی تغییر خاصی در جمعیت شیعیان به وجود نیامده است، اما عوامل کیفی همچون اعتماد به نفس و خودباوری، وحدت، رهبری، افزایش آگاهی و بینش سیاسی آن‌ها، حکایت از افزایش وزن ژئوپلیتیک شیعیان دارد.

۴-۲- حوزه‌های علمیه در دو کشور

وجود حوزه‌های علمیه در دو کشور از دیگر وجوه مشترک بین شیعیان ایران و عراق است که در ذیل مورد بررسی قرار گرفت. حوزه در میان حوزه‌های علمیه شیعه، حوزه نجف اشرف از جایگاه والا و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (دادفر، ۱۳۸۹: ۹۷). حوزه نجف اشرف به مرور زمان به بزرگ‌ترین و جامع‌ترین حوزه علمی تبدیل شد که در تاریخ هزار ساله آن، عالمان و مجتهدان فراوانی در آن پرورش یافتند (کمالی سرپلی، ۱۳۸۸: ۶۶-۶۵). امام خمینی نیز با هجرت به نجف اشرف و پانزده سال تدریس و پرورش صدها مجتهد و عالم، نقش

مؤثری در پایه‌گذاری بینش سیاسی، اجتماعی در حوزه‌های علمیه قم و نجف داشت (جعفری و نیکروهش: ۱۳۹۴). حوزه گرانقدر نجف اشرف در جوار بارگاه امام علی (ع) با پرورش هزاران مرجع تقلید، مجتهد، عالم و فقیه وارسته و بزرگ، نقش مؤثری در پرورش و تربیت مراجع و مجتهدان عالی‌قدر و بزرگی همچون رهبر کبیر انقلاب اسلامی داشته است و در واقع حکومت اسلامی ایران، ثمره هزاران سال تلاش خستگی‌ناپذیر حوزه‌های بزرگ شیعه بخصوص حوزه علمیه نجف اشرف است (جعفری و نیکروهش، ۱۳۹۴).

حوزه علمیه قم در ایران نیز به عنوان نهاد تعلیم و تربیت دینی و در میان حوزه‌های علمیه اسلامی در گستره جهان، به خصوص در حوزه‌های علمیه شیعی، اهمیت بسزایی دارد. این حوزه با تعلیم و تربیت شخصیت‌ها و روحانیون فرهیخته، اثر و نقش چشم‌گیری در حفظ و درخشش اسلام در جهان داشته است (کمالی سرپلی، ۱۳۸۸: ۶۸). در زمینه ارتباطات و مبادلات بین دو حوزه علمیه قم و نجف می‌توان بیان نمود که حوزه‌های علمیه در تکمیل علوم و اطلاعات خود از یکدیگر بی‌نیاز نبودند و به این ترتیب، رفت و آمد بین حوزه‌ها با یکدیگر برای افاده و استفاده به عنوان یک سیره علمی متداول شد (زهره کاشانی، ۱۳۸۸: ۶۳). بر همین اصل، از گذشته‌های دور ارتباطات قوی بین این دو حوزه برقرار بوده است که این امر می‌تواند موجبات نفوذ بیشتر ایران در عراق را فراهم نماید. در سال‌های بعد از فروپاشی رژیم بعث و اشغال عراق، به رغم تصورات اولیه در خصوص رقابت نجف و قم، روحانیون ارشد دو حوزه علمیه صادقانه و با صمیمیت نسبت به یکدیگر رفتار کردند. البته حمایت علمای ایران از شیعیان عراق و علمای نجف نیز متقابلاً در روابط گرم دو جانبه مؤثر بوده است (جعفری و نیکروهش، ۱۳۹۴: ۳۸). در واقع، وجود جوامع وسیع شیعه در ایران و عراق، یک رابطه همزیستی میان نهادهای روحانی دو کشور به وجود آورده است (دکمجیان، ۱۳۷۷: ۱۱۴). ارتباطات موجود میان دو حوزه علاوه بر این که نقش مؤثری در گسترش زبان فارسی دارد، منجر به آشنایی طلاب با فرهنگ و حکومت ایران می‌شود. آنان از نزدیک واقعیت‌های جامعه‌ی ایران را درک می‌کنند و هنگامی که به جامعه‌ی خویش بر می‌گردند همانند مبلغ عمل می‌نمایند و می‌توانند معرف فرهنگ و جامعه‌ی ایران برای سایر مردم کشور خویش باشند.

۳- وجه اشتراک ملی ایران و یمن

۳-۱- جایگاه راهبردی یمن در معادلات امنیتی جمهوری اسلامی ایران

یمن همواره برای جمهوری اسلامی ایران دارای اهمیت استراتژیکی بوده است تا جایی که ایران تحولات یمن را در قالب بیداری اسلامی ارزیابی می‌کند تا سبب کاهش نفوذ غرب در منطقه شود. از همین رو، جمهوری اسلامی ایران تلاش‌های عربستان سعودی را برای مدیریت تحولات یمن و به قدرت رساندن جریان‌های وابسته به آنها نظیر نخله‌های تروریستی-تکفیری را با حساسیت خاصی دنبال می‌کند و خواستار نقش‌آفرینی همه جریان‌های مذهبی و سیاسی در جهت حل و فصل مسالمت‌آمیز بحران در این کشور است (نجات و دیگران، ۱۳۶۱: ۱۲۷). با این تفاسیر، مهمترین اهدافی که جمهوری اسلامی ایران در فراسوی خاتمه این بحران دنبال می‌کند به شرح زیر می‌باشند که به صورت مفصل به تبیین و تشریح هریک از آنها خواهیم پرداخت. وجود شیعیان زیدی در درون جامعه یمن که تقریباً یک سوم از ترکیب جمعیتی ۶۱ میلیون نفری این کشور را تشکیل می‌دهند، یکی از راهبردی‌ترین فرصت‌ها در جهت تأمین منافع ملی ایران است؛ چرا که شرایط و تحولات اخیر حاکی از آن است که جایگاه این گروه که بزرگترین اقلیت در یمن هستند، در معادلات سیاسی آتی در این کشور پررنگتر خواهد شد. به همین دلیل، مشارکت و حضور زیدی‌ها در ساختار سیاسی یمن

می‌تواند جهت-گیری سیاست خارجی یمن را نسبت به جمهوری اسلامی ایران تغییر دهد و در نهایت به سمت یک رابطه راهبردی سوق دهد. به علاوه اینکه، بیشتر شهروندان یمنی به جمهوری اسلامی ایران تعلق خاطر دارند و حمایت عمومی از جنبش انصارالله و شیعیان حوثی نیز بر علاقه دوچندان آنها به ایران افزوده است؛ هرچند حمایت تهران همواره جنبه معنوی داشته است. به عنوان مثال، تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، هیچ حسینی‌ای برای شیعیان در یمن وجود نداشت، اما در سالهای اخیر، تعدادی حسینی در مناطق مختلف یمن ساخته شد و شیعیان، مساجد و اماکن مخصوص خود را گسترش دادند. از همین رو، سفر گروهی به نمایندگی از دولت یمن به ایران، شامل برخی از معاونان وزارتخانه‌ها و مسئولان مؤسسه‌های دولتی به تهران که ریاست آن را صالح الصمد، رئیس شورای سیاسی انصارالله بر عهده داشت، حاکی از تداوم همین روند است (نجات و دیگران، ۱۳۶۱: ۱۷۱). از سوی دیگر می‌توان چنین استنباط کرد که سرکوب شیعیان یمن چه از سوی گروههای معارض داخلی و نیز کشتار آنها به واسطه تهاجم عربستان سعودی به این کشور می‌تواند منجر به تهدیداتی جدی از لحاظ ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی برای جمهوری اسلامی ایران شود؛ چراکه اگر ایران شیعیان یمن را از دست بدهد در واقع با یک خلاء ژئوپلیتیکی جدی مواجه خواهد شد که این مسئله می‌تواند ضربه‌ی شدید بر پیکره محور مقاومت، برای جمهوری اسلامی ایران باشد؛ بنابراین وجود یک دولت شیعه و پایدار در یمن در راستای اهداف استراتژیک بی-چون و چرای ایران است که کارت یمن، برگ برنده‌هایی را در اختیار ایران جهت حفاظت از محور مقاومت و شیعیان قرار می‌دهد. بنابراین ایران به دنبال آن است تا با بهره‌گیری از این کارت بر عربستان اعمال فشار نماید تا در یمن از فعالیت خود بکاهد و از ناحیه مرزهای جنوبی این کشور عقب نشینی کند (رستمی و همکاران، ۱۴: ۱۳۹۷).

۲-۳- اشتراکات ایدئولوژیک ایران و یمن

با فراگیری موج بیداری اسلامی و نیز خیزش انقلابی شیعیان یمن و تأسی گرفتن از مکتب امام خمینی (ره) و حرکت استکبارستیزی انقلاب اسلامی، ایران به عنوان ام‌القرای جهان اسلام به عنوان الگویی پیش روی انقلابیون این کشور قرار گرفت. به نحوی که در صناعاً، پایتخت این کشور با برها و پوسترهایی در تأیید حزب‌الله و تصاویری از امام خمینی (ره)، همراه با شعارهایی نظیر «مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل، لعنت بر یهودیان و پیروز باد اسلام»، تزئین شده است؛ بنابراین، این موضوع می‌تواند دست برتر ایران را در معادلات منطقه به همراه داشته باشد. از سوی دیگر تسلط شیعیان بر یمن باعث شده تا عربستان از نظر سیاسی در محاصره قرار گیرد، زیرا مجبور خواهد شد واقعیت جدید این کشور را بپذیرد. پس تغییر جغرافیای سیاسی منطقه راه را برای متحد ایرانی هموار کرده تا نفوذ خود در یمن را مستحکم نموده و برگ‌های برنده‌ای برای تأثیرگذاری در منطقه داشته باشد همچنین باید به نفوذ گسترده معنوی ایران نیز در میان شیعیان زیدی، به ویژه جنبش حوثی‌ها اشاره کرد که نگرانی‌های عربستان سعودی و آمریکا را هم برانگیخته است. تأثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر شیعیان یمن به ویژه جنبش حوثی‌ها عمیق است و در میان آنها تأکید بر آرمانهای انقلاب اسلامی مانند مبارزه با صهیونیسم و استکبارستیزی کاملاً مشهود است (نجات و دیگران: ۱۳۶۱: ۱۲۷). از سوی دیگر، بخشی از رویکرد جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن به جهت حمایت و پشتیبانی از جنبش‌ها و انقلاب‌های آزادیبخش مردمی در این کشور است (۱۵۵: ۲۰۰۸، Redaelli)، بر این اساس ایران می‌خواهد نفوذ سیاسی خود را گسترش دهد تا از طریق قدرت نرم و با حداقل سرمایه گذاری، اهداف خود را پیش ببرد؛ چرا که به طور کلی بیشتر حوثی‌ها به ایجاد روابط با ایران تمایل دارند. نکته آخر اینکه

مبانی ایدئولوژیک و نقش آفرین فعال جمهوری اسلامی ایران در بحران یمن، بسترهای لازم برای کنشگری هویت‌بخش و بقا محور کشور را به وجود می‌آورد. بنابراین، یمن را باید در زمره کشورهای دانست که به دلیل وجود مبانی دینی و اعتقادی مشترک با جمهوری اسلامی ایران، پیوندهای تاریخی و فرهنگی آن؛ همچنین قرار گرفتن در ژئوپلیتیک بیداری اسلامی، از اهمیت قابل ملاحظه‌ای جهت حفظ نفوذ ایران در منطقه و تداوم ارزش‌های انقلاب اسلامی برخوردار است. این در حالی است که از سوی دیگر تنها محور کارآمد به منظور مقابله با نظم منطقه‌ای که توسط آمریکا ایجاد شده است، محور «مقاومت اسلامی» می‌باشد و این گزاره نیز به تناوب از سوی مسئولان ایران و یمن مورد تأکید قرار گرفته است. مهمتر آن که، نگرانی ناشی از وجود دشمن مشترک، زمینه نزدیکی دو طرف را به ویژه در ابعاد امنیتی و دفاعی فراهم نمود. همکاری دو کشور را می‌توان به‌منزله ابزاری کارآمد و مؤثر برای ایجاد و توسعه بازدارندگی در مقابل توسعه طلبی عربستان و گسترش نفوذ ایدئولوژیکی در حوزه خلیج فارس و دریای عمان قلمداد نمود (رستمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۴).

۴- تهدیدات امنیتی مشترک

توسعه‌طلبی فزاینده عربستان سعودی از جمله‌ی تهدیدات امنیتی مشترک پیش روی دو کشور ایران و یمن می‌باشد که زمینه افزایش همکاری‌های دو کشور را نیز فراهم نموده است. به علاوه اینکه، اتحاد راهبردی جمهوری اسلامی ایران و یمن می‌تواند به منظور مقابله با تهدید ناشی از نفوذ اسرائیل در منطقه و هژمونی ایالات متحده نیز به کار گرفته شود. در این راستا یکی از دستاوردهای مشترک جمهوری اسلامی ایران و یمن به منظور مقابله با نفوذ بازیگران مداخله‌گر و همچنین گسترش همکاری‌گرایی منطقه‌ای در منطقه خاورمیانه را می‌توان تأکید بر ایجاد ساختار امنیت منطقه‌ای بومی دانست (۳۲۰۱۲: Chubin). تمرکز سعودی بر جنگ علیه یمن صرفاً کمک به تقویت رژیم صهیونیستی و گروه‌های تروریستی را سبب شده است؛ تهران از گفتگوی یمنی-یمنی در مکان مورد توافق همه گروه‌های داخلی این کشور حمایت می‌کند و هر گونه مداخله خارجی در این کشور را مردود می‌داند و اجازه داده نخواهد شد دیگران امنیت منطقه مشترک را با اقدامات ماجراجویانه به بازی بگیرند و زمان برای این اقدامات به پایان رسیده و همه باید به امنیت منطقه و ایفای نقش سازنده بیانیدهند (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۴).

۵- وجه اشتراک ملی ایران و فلسطین

۱-۵- وجوه اشتراک و افتراق اندیشه سیاسی جنبش حماس با جمهوری اسلامی ایران

با توجه به تعاریف موجود از اندیشه سیاسی برای بررسی مقایسه‌ای اندیشه سیاسی این جنبش با انقلاب اسلامی ایران می‌توان شاخص‌های مهم اندیشه سیاسی همچون نوع نگاه به سیاست، رابطه دین و سیاست، الگوی سیاسی، نقش مردم در حکومت، نقش شریعت در حکومت و مواردی از این قبیل را مورد مقایسه قرار داد. مقاومت اسلامی حماس از انتفاضه زاییده شده و نشانی است از بازگشت مجدد و قاطعانه سیاسی نیروهای اسلامی در نوار غزه و کرانه باختری در مواجهه با اشغالگری اسرائیل (Amr_Abu: ۵، ۱۹۹۳). حماس رویکردی جهادی دارد. ارتباط بین دین و سیاست هر دو جنبش انقلاب اسلامی ایران و حماس در منشور اندیشه‌ای خویش بر ارتباط و همراهی مداوم دین و سیاست تأکید داشته و این دو را غیرقابل گسست می‌داند. امام خمینی به عنوان رهبر و نظریه پرداز انقلاب اسلامی ایران و به عنوان شخصیتی که سخنان و نوشته‌هایشان جهت‌دهنده به انقلاب و نظام بوده و هست با تأکید بر پیوند و همراهی اسلام و سیاست و سابقه تاریخی آن تأکید

دارد (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۲۶۵). جنبش مقاومت اسلامی فلسطین، حماس، نیز تأکید بر هماهنگی میان دین و دولت دارد و معتقد است که نمی توان ایده اسلامی بودن فلسطین فعلی و فلسطین آینده را تغییر داد تا تفکر جدایی دین از دولت را برگزید، چرا که اسلامی بودن فلسطین جزئی از دین ماست و هر کسی که از دین خود کوتاه بیاید زیان کرده است (الحمد و برغوثی، ۱۳۸۲: ۶۷). جایگاه شریعت در حکومت و الزام به اجرای آن رهبران جنبش اسلامی ایران بر اساس موافقت مردم ایران با قانون اساسی جمهوری اسلامی، بر لزوم قانون گذاری بر اساس شریعت و اجرای آن تأکید داشته و فقهای شورای نگهبان برای جلوگیری از مغایرت قوانین با شریعت، در نهاد سیاسی و به عنوان مکمل قوهی مقننه حضور دارند. جنبش حماس نیز بر ضرورت آگاهی جامعه از شریعت تأکید می کند و در ماده ی ۱۶ میثاق نامه خود در زمینهی قانون شریعت آورده است که مسلمانان باید بر اساس تعالیم اسلام شامل انجام وظایف و فرایض دینی، تأمل عمیق و آگاهانه در کتاب خدا و بررسی سنت نبوی و آگاهی از تاریخ و میراث و تمدن اسلامی از منابع موثق و با نظارت متخصصان و دانشمندان آموزش ببینند و تربیت شوند و از نظام های آموزشی در این راستا بهره گرفته شود که بینش صحیح و سالم در اندیشه و اعتقاد را به مسلمانان انتقال دهد. بر این اساس، این جنبش همچون جنبش شیعی انقلاب اسلامی ایران معتقد است که قوانین شریعت در صورتی الزام آور خواهد شد که شکل قانونی توسط مردم را پیدا کند. لذا با پیروزی حماس در انتخابات پارلمانی سال ۲۰۰۶، این جنبش اعلام کرد که قوانین شریعت را مبنای تصویب لایحه و قوانین در آینده قرار خواهد داد، لیکن بدون رضایت مردم که در قالب قوانین تجلی می کند از اجرای قوانین اسلامی خودداری می کند. در این رابطه محمود رماحی عضو دفتر سیاسی حماس اعتقاد داشت که حماس در هیچ جنبه از زندگی فلسطینی ها دخالت نخواهد کرد، به جز اینکه به طریقی مؤدبانه آنها را قانع سازد و همه ی تلاش خود را به کار خواهد بست تا شریعت اسلامی کارمیه صدور قوانین گردد. الزام به ذکر است که علی رغم این مواضع آرمانی، به دلیل تفاوت شرایط در ایران و فلسطین، حماس عمال به دلیل وضعیت خاص فلسطین و سایر اولویت ها اسرار چندانی بر اجرای بی چون و چرای قانون شریعت در محدودهی حاکمیت خود نداشته و تنها بر رعایت اخلاقی و اقناعی آن تأکید دارد. چنانکه خالد مشعل، رئیس دفتر سیاسی حماس، از آزادی پذیرش یا عدم پذیرش احکام شریعت اسلام و حتی آزادی حجاب در فلسطین آینده بر اساس رأی مردم سخن می گوید (میری، ۱۳۸۴: ۱۰-۱۳) لذا حماس در نوار غزه نکوشیده ظواهر شریعت را به زور حاکم کند، مسئله ای که بارها باعث ایجاد اختلاف میان این گروه و دیگر تکفیری ها شده است.

نگرش به تجدد و غرب نظام جمهوری اسلامی ایران منبعث از انقلاب اسلامی و جنبش مقاومت اسلامی فلسطین، حماس، به برخورد درست و گزینشی با غرب، نوآوری و تجدد با تکیه بر مبانی اسلامی تأکید دارند. بدین معنا که آثار مثبت و مفید تمدنی غرب را برای پیشرفت جامعه خویش به کار گرفته و در عین حال با انتقاد از آثاری که اسباب زوال اخلاقی فرد و جامعه می شود در پی اصلاح آن برمی آیند. آنها انتقادات خود را متوجه مبانی اومانیستی غرب می کنند و اعتقاد دارند که این مبانی موجبات دوری انسان از معنویات و خدا را فراهم آورده است. همین به یکه تازی انسان منجر شده و باعث شده تا اخلاق و انسانیت زیر پا گذاشته شود. جمهوری اسلامی ایران در برخورد با غرب و مدرنیته به صورت گزینشی عمل کرده و می کند. این دیدگاه را در آثار امام به خوبی می توان دید ایشان نفی مطلق غرب را قبول ندارد، بلکه با پذیرش تمدن غرب به رد مفاسد آن می پردازد (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۲۹). دیدگاه حماس نیز نسبت به غرب، تجدد و نوآوری از جنبه های گوناگون قابل بررسی است که مهمترین آنها عبارتند از: عدم اعتقاد به پیکار و مبارزه با غرب و یا مسیحیت، موافقت با اصول اعلم شده غرب در زمینه ی حقوق بشر و حق دفاع از خود، مسئول بودن غرب در زمینه ی پیدایش

جنبش صهیونیسم و اشغال فلسطین و حمایت از رژیم اسرائیل، اهمیت استراتژیک فلسطین برای غرب به عنوان سرزمین موعود، رد هرگونه تروریستی بودن و تندروی خود از سوی غرب و نگاه واقع‌بینانه‌تر اروپا نسبت به آمریکا در ارتباط با خواسته‌ها حماس بر این اساس نیز حماس موضوع رابطه با غرب را مورد توجه قرار داده و گفتگو با محافل غربی را به منظور تغییر این دیدگاهها و کاهش تأثیرگذاری تبلیغات صهیونیسم بر اندیشه غربی‌ها مفید و ضروری می‌داند. این جنبش در متن برنامه دولت خود در مارس ۲۰۰۶ در زمینه ارتباط با غرب ضمن تأکید بر حفظ پیوند خود با جهان اسلام، به برقراری رابطه‌ای سالم و قوی با سازمان ملل متحد، شورای امنیت، اتحادیه اروپا و سازمان‌های منطقه‌ای در جهت دفاع از حقوق ملت فلسطین و مقابله با تهدیدات اسرائیل می‌کوشد. این سیاست بازتابی از دیدگاه سیاسی جدید و استراتژیک حماس در تعامل با ابعاد بین‌المللی کشمکش جاری علیه جنبش صهیونیسم و اسرائیل محسوب می‌گردد (الحمد و برغوثی، ۱۳۸۲: ۱۶۲-۱۶۰).

۲-۵- همسوئی و ناهمسوئی مواضع سیاسی حماس با ایران

مواضع حماس تا سال‌های اخیر همواره همسو با مواضع ایران و یک عضو در «محور مقاومت» شامل سوریه، حزب الله لبنان، بوده است اما حماس پس از وقوع جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱ و هم‌زمان با مسلح شدن شورشیان سنی دفتر خود را از سوریه خارج کرد و به قطر بازگشت و از ایران درخواست کرد تا از دولت سوریه حمایت نکند، این تحولات موجب شد تا حماس از محور مقاومت خارج شود و به ائتلاف جدیدی به رهبری مصر، قطر و ترکیه بپیوندد (Bodetti Austin ۲۰۱۵: ۵). که در این باره باید گفت که این نوع موضع‌گیری حماس به دلیل نگاه سیاسی جدید این جنبش و تحت تأثیر نفوذ اقتصادی و فرهنگی بنیادگرایی سنی و اهمیت یافتن بحث تشیع- تسنن در تحلیل‌های جریان اخوان المسلمین اتفاق افتاده است. دلیل چنین رویکردی را می‌توان فعالیت اخوان المسلمین سوریه به عنوان یکی از نیروهای فعال در میان معترضان و مخالفان حکومت بشار اسد و نیز از دست ندادن حمایت کشورهای قدرت مند سنی مذهب عربی توسط حماس دانست. برای همین حماس سیاستی اتخاذ کرده است که به حمایت از دولت اسد در برخورد با مخالفانش یا سکوت در برابر این رویه متهم نشود. نماد این سیاست، به دست گرفتن پرچم مخالفان سوریه توسط خالد مشعل در مراسم بیست و پنجمین سالگرد تأسیس این جنبش در غزه بود. موسی ابومرزوق، معاون دفتر سیاسی حماس، ابراز داشته است اگر ایران نمی‌خواهد افکار عمومی جهان عرب را علیه خود تحریک کند، باید در مورد حمایتش از رژیم اسد در سوریه بازنگری کند (حق شناس، ۱۳۹۱: ۵). مشعل در تازه‌ترین مصاحبه خود در مارس ۲۰۱۶ با عالم بی‌نظری درباره‌ی قرار گرفتن نام حزب الله لبنان از سوی اتحادیه عرب در لیست گروه‌های تروریستی، با اشاره به سردی رابطه‌ی حماس با ایران دلیل آن را موضع این جنبش در قبال تحولات سوریه می‌داند. که این روند توانسته است تا حدی شکاف بین جنبش حماس با جنبش‌های شیعی در منطقه را افزایش داده و شرایط جدیدی را به وجود آورد.

۶- بهره‌گیری از ظرفیت‌های اجتماعی این کشورها به سود مقاومت

به نظر دو راهبرد کلی وجود دارد نخست تأکید بر نقطه اصلی اشتراک در محور مقاومت که همانا وجود دشمنی به نام رژیم غاصب صهیونیستی است و دوم اتخاذ رویکردهایی در راستای بکارگیری حداکثری از توان کشورهای محور مقاومت متناسب با ویژگیها و ظرفیتهای هر کشور. یعنی متناسب با شرایط و پتانسیلهای هر کشور باید یک راهبرد ویژه در راستای بکارگیری ظرفیت‌های اجتماعی آن کشور اتخاذ کرد. مثلاً در ایران و

عراق حب اهل بیت علیهم السلام و مخصوصا مکتب امام حسین (ع) یک ظرفیت اجتماعی بزرگ است که می‌توان از آن در راستای تقویت محور مقاومت بهره برد. در میان علویان سوریه و شعیان زیدیه یمن و حتی اهل تسنن غیر وهابی در افغانستان نیز یک رگه‌ها و زمینه‌هایی از حب اهل بیت وجود دارد که بهره‌برداری از آن نیازمند بسترسازی فرهنگی بلند مدت دارد.

نتیجه‌گیری

باتوجه به مطالب پیش‌گفته به نظر می‌رسد که وجه اشتراک ملی ایران با کشور عراق، یمن و فلسطین، وجود مولفه‌هایی همچون؛ مسلمان بودن اکثریت قریب به اتفاق جمعیت کشو، مذهب، زبان، فرهنگ مشترک است. در واقع همانطور که در ایران اکثرا دین و مذهب، فرهنگ و زبان مشترکی وجود دارد از این رو عناصر گفته شده برای کشورهای مذکور نیز صدق می‌کند. اما آنچه که نقطه قوت این پژوهش است نقش کشورها در تحکیم جبهه مقاومت است که مقاومت متناسب با ویژگی‌ها و ظرفیت‌های این کشورها یعنی متناسب با شرایط و پتانسیلهای آنها است. بنابراین همانطور که بیان شد در ایران و عراق علاقه به اهل بیت یک ظرفیت اجتماعی بزرگ است که می‌توان از آن در راستای تحکیم جبهه مقاومت سود برد. بنابراین دولت‌ها استفاده از این ظرفیت‌ها را به منظور نزدیک سازی ملت‌های خود به جبهه مقاومت نقش اساسی دارند. از این جهت دولت‌ها دو وظیفه اصلی در این راستا دارند. نخست، تشریح و آموزش در خصوص آگاه‌سازی ملت‌ها از مزایای تقویت محور مقاومت. مثلا اینکه تقویت محور مقاومت فقط برای حمایت از ملت مظلوم فلسطین نیست و کارکردهای دیگری نیز دارد. مثلا امنیت ملی کشورها را از راه دور تضمین می‌کند و این اقدام پیش‌دستانه مانع از ورود جنگ به داخل مرزهای کشور می‌گردد. یا اینکه کشورهای غربی که شدیداً به دنبال کوچک‌سازی کشورهای منطقه ما هستند خودشان با تشکیل اتحادیه اروپا در پی ایجاد یک قدرت جهانی هستند چرا که از الزامات تبدیل شدن به یک قدرت نظامی و اقتصادی جهانی، دو عنصر جمعیت و وسعت جغرافیایی است. لذا پیوند راهبردی میان کشورهای منطقه حول محور مقاومت می‌تواند به ایجاد یک قدرت نظامی و اقتصادی بین‌المللی نیز کمک کند که علاوه بر ارتقای قدرت بازدارندگی، توسعه بلند مدت اقتصادی و سیاسی را نیز در پی خواهد داشت. وظیفه دوم دولت‌ها ایجاد تشکل‌های سیاسی و نظامی در این راستا است.

منابع

۱. احمدی، سید عباس و الهام سادات موسوی (۱۳۸۹)، «جغرافیای شیعه و فرصت‌های ایران در قلمروهای شیعی جهان اسلامی»، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام. زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۲. آشوری، داریوش (۱۳۹۲)، «واگرایی و همگرایی فارسی زبان‌ها»، فصلنامه زبان فارسی، شماره ۱.
۳. بابایی زارچ، علی محمد، (۱۳۸۳)، امت و ملت در اندیشه‌ی امام خمینی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۴. پارساپور، روزبه (۱۳۸۹)، «نقش ایران و عراق در تأمین امنیت خلیج فارس»، ماهنامه خلیج فارس و امنیت، سال دهم، شماره ۱۰۴.
۵. پیشگاهی فرد، زهرا و دیگران (۱۳۹۰)، «جایگاه قدرت نرم در قدرت ملی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال بیستم، زمستان، شماره ۶۱.
۶. جعفریان، رسول (۱۳۸۶)، تشیع در عراق، مرجعیت و ایران. تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

۷. جلائی پور، حمیدرضا، (۱۳۷۵)، «ملت و امت»، سیاست خارجی، سال دهم، شماره، ۱.
۸. الحمد، جواد و ایاد برغوثی (۱۳۸۲)، سیری در اندیشه سیاسی حماس، ترجمه سیدحسین موسوی، تهران: مرکز پژوهش علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
۹. خانی، حسین (۱۳۹۳)، «امتگرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ تطبیق دکترین‌های «ام‌القری» و «تعامل فزاینده»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال دوم، شماره ۸ (پیاپی ۳۸).
۱۰. خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، سیمای زن در کلام امام خمینی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۱. داداندیش، پروین و افسانه احدی (۱۹۰)، «جایگاه دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه روابط خارجی. سال سوم، بهار، شماره اول.
۱۲. دادفر، سجاد (۱۳۸۹)، «تحول و دگردیسی در نمای جامعه‌شناختی شیعیان عراق در قرن بیستم علل - پیامدها»، فصلنامه شیعه‌شناسی. سال هشتم، زمستان، شماره ۳۲.
۱۳. درخشه، جلال؛ غفاری، مصطفی (۱۳۹۰)، دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام فرصتها، اقدامات، اولویت‌ها و دستاوردها، مطالعات فرهنگ-ارتباطات. سال دوازدهم، زمستان، شماره‌ی شانزدهم
۱۴. دکمچیان، هرایر (۱۳۷۷)، اسلام در انقلاب جنبش‌های در جهان عرب، ترجمه‌ی حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان
۱۵. رستمی، فرزاد؛ لطفی، کامران؛ پیرمحمدی، سعید (۱۳۹۷)، «جنگ قدرت‌ها در یمن و امنیت جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه علمی مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۱۱، شماره ۴۱ - شماره پیاپی ۴۱، صفحه ۹-۳۵
۱۶. رفیعی، رضا. (۱۳۹۸)، بررسی زمینه‌های تعاملات هنری ایران و افغانستان، تعاملات دانشگاهی و آموزش؛ محور توسعه‌ی پایدار ایران و افغانستان، زاهدان: انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۱۷. زارعی، بهادر (۱۳۹۰). تحلیل تئوری امت در قلمرو جغرافیای سیاسی اسلام. سیاست-مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۴۱ (۳)، ۱۵۳-۱۶۹.
۱۸. زهره کاشانی، علی اکبر (۱۳۸۸)، «تاریخ حوزه علمیه قم از تأسیس تا سده چهارم تحلیلی بر زمینه‌ها و عوامل پیدایش و شکوفایی»، فصلنامه تربیت اسلامی. سال چهارم، شماره ۸.
۱۹. ساکت، محمد حسین (۱۳۸۳)، زبان پارسی؛ پیام‌گزار اسلام و هویت ایرانی، تهران: مؤسسه تحقیقاتی و توسعه علوم انسانی.
۲۰. سالنامه آماری ۱۳۷۷، تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۷۸.
۲۱. ستوده، محمد، و جمعی از پژوهشگران (۱۳۹۲)، موانع و فرصت‌های همگرایی در جهان اسلام، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول.
۲۲. سعید برزین، «ساختار سیاسی - طبقاتی و جمعیتی در ایران»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، سال هشتم، ش ۱۱ و ۱۲ (مرداد و شهریور ۱۳۷۳).
۲۳. سنائی، اردشیر و محمد رضا عبدالله‌پور (۱۳۸۸)، «روپارویی ایران و آمریکا: رقابت در عرصه قدرت نرم و سخت»، فصلنامه دانشکده علوم سیاسی واحد تهران مرکزی. سال دوم، شماره هشتم و نهم.
۲۴. غوری، نظر محمد (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر زبان و فرهنگ ایران بر مهاجرین افغانستان، تعاملات دانشگاهی و آموزش؛ محور توسعه‌ی پایدار ایران و افغانستان، زاهدان: انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان.
۲۵. فتح‌الله پرتو، فرزاد جهانبین (۱۳۹۴)، «سناریوهای آینده نظام بین‌الملل و جایگاه جهان اسلام»، فصلنامه

- پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۳ (شماره پیاپی ۴۳)
۲۶. فراهانی، نازنین (۱۳۸۵)، «آیین نوروز در کشورهای همجوار»، نجوای فرهنگ، شماره ۲.
۲۷. فلاح‌نژاد، علی و علی امیری (۱۳۹۴)، «روابط ایران و افغانستان؛ همگرایی یا واگرایی»، فصلنامه مطالعات سیاسی، شماره ۲۹.
۲۸. فولر، گراهام و فرانکه رند رحیم (۱۳۸۴)، شیعیان عرب: مسلمانان فراموش شده، ترجمه خدیجه تبریزی، قم: انتشارات شیعه شناسی، چاپ اول.
۲۹. قدمی، محسن و حمید مصطفوی (۱۳۸۸)، «اهمیت فعالیت‌های فرهنگی در روابط بین‌الملل و ارائه عملیاتی دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران»، مجله مدیریت فرهنگی، سال ۳، شماره ۵.
۳۰. کاظمی، محمد کاظم (۱۳۷۹)، «ایران و بازسازی فرهنگی افغانستان»، نشر در پایگاه تخصصی نور، شماره ۳۲.
۳۱. کریمی پور، یدالله (۱۳۷۹)، مقدمه ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
۳۲. کمالی سرپلی، عبدالقادر (۱۳۸۸)، «سیرتاریخی پیدایش حوزه‌های علمیه»، سخن تاریخ، شماره ۷.
۳۳. کمالیان (۱۳۸۷)، دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران و نقش زبان فارسی (گزارش پژوهشی)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
۳۴. مار، فب (۱۳۸۰)، «تاریخ نوین عراق. ترجمه‌ی محمد عباسپور، مشهد: بنیان پژوهش‌های اسلامی.
۳۵. محمدرضا حافظ‌نیا، جغرافیای سیاسی ایران، چ ۱، تهران: سمت، ۱۳۸۱، صص ۱۸۰ - ۱۴۶
۳۶. مشایخی، حمید رضا و اصغر خوشه چرخ (۱۳۹۱)، «نگاه نوستالژیک خاقانی و بحتری به ایوان مداین»، ماهنامه ادب عربی. سال چهارم، بهار، شماره اول.
۳۷. مطلبی، مسعود (۱۳۸۷)، جغرافیای سیاسی اقوام ایرانی، زمانه، شماره ۷۰.
۳۸. ملاابراهیمی، عزت (۱۳۸۲)، فرهنگ معاصر فلسطین؛ شخصیت‌ها و جنبش، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.
۳۹. ملکی، محمد رضا و انسیه رازقندی (۱۳۹۰)، «دیپلماسی عمومی و دولت احمدینژاد: بازی در سطح خرد در خاورمیانه»، فصلنامه علوم سیاسی، شماره ۱۶.
۴۰. مهدی زاده، جواد و دیگران (۱۳۸۲)، نگاهی بر مشترکات فرهنگی افغانستان و ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران.
۴۱. مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار (۱۳۹۰)، کتاب آسیا؛ ویژه مسائل افغانستان، تهران: مؤسسه و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
۴۲. میری، مرتضی (۱۳۸۴)، حماس؛ دموکراسی و باورهای جهانی، خبرنگار، گویا.
۴۳. نجات، سیدعلی و دیگران (۱۳۶۱)، «راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن». فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره ۳۳، صص ۱۷۶ -
۴۴. هوشی‌سادات، سیدمحمد (۱۳۶۳)، «روابط ایران و یمن؛ چالش‌ها و فرصت‌ها». قابل دسترس در سایت دیپلماسی ایرانی.
۴۵. یحیایی و مرضیه کیا (۱۳۹۴)، «تحلیل ژئوپلیتیکی روابط افغانستان و ایران؛ چالش‌ها و فرصت‌ها»، فصلنامه علمی - پژوهشی خراسان بزرگ، سال ششم، شماره ۱۹.

۴۶. یعقوبی، عبدالرسول (۱۳۹۷)، چالش واگرایی‌های هویتی جهان اسلام و راه‌حل‌های همگرایی در تمدن نوین اسلامی، دوفصلنامه مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، دوره ۲، شماره ۱ (پیاپی ۳).

47. Abu-Amr, ziad (1993), "The Islamic Movement and the Palestine Authority". Journal of Palestine Studies, Vol. 22, No. 4, pp. 5-25.

48. Austin Bodetti. (2015) Hamas Is Running Out of Allies, War Is Boring, 2DES.

49. Redaelli, Riccardo. (2008). "The Dichotomist Antagonist Posture in the Persian Gulf, in the Iranian Revolution at 30". Washington, DC: The Middle East Institute, Vol.1 (1).

50. Chubin, Shahram. (2012). "Iran and the Arab Spring: Ascendancy Frustrated". Gulf Research Center, GRC Paper, Vol.1 (24).